

ارزشهای علمی

۲

جامعه‌شناسی ارزش‌ها

با تأکید بر نظم و امنیت

دکتر حسین محبوبی‌مهر

(عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی اجرائی)

با مقدمه دکتر عماد افروغ

سرشناسه: محبوبی منش، حسین، پدیدآورنده، ۱۳۴۲
سرشناسه: دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۷۰، تهران - بزرگراه شهید همت غرب، دانشگاه پلیس، ناشر
عنوان: جامعه‌شناسی ارزش‌ها با تأکید بر نظم و امنیت
مشخصات نشر: تهران، دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: ۲۹۰ وزیری
نمایه: ۱- جامعه‌شناسی، ۲- ارزش‌ها، ۳- نظم و امنیت، ۴- آسیب‌های اجتماعی
شابک: ۴۰۰۰۰ ریال، ۸-۸۹-۵۷۰۵-۶۰۰-۹۷۸
شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۸۱۹۳۱

جامعه‌شناسی ارزش‌ها (با تأکید بر نظم و امنیت)

مؤلف: دکتر حسین محبوبی منش

ناشر: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین

چاپ اول: ۱۳۹۱

شمارگان: ۵۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: راه فردا

نشانی: تهران - ابتدای بزرگراه شهید خرازی - خیابان شهید جدی امین - دانشگاه علوم انتظامی امین تلفن: ۴۸۹۳۱۲۹۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	سخن ناشر
۸	پیش‌گفتار
۱۰	مقدمه دکتر عماد افروغ
۲۱	فصل اول: کلیات و مفاهیم
۲۴	طرح مسئله
۲۷	اهمیت و ضرورت موضوع
۲۸	اهداف
۲۹	واکاوی ادبیات موضوع
۳۰	ارزش‌ها از منظر فلسفه
۳۲	ماهیت ذهنی یا عینی ارزش‌ها
۳۶	مفهوم ارزش‌ها از منظر روان‌شناسی
۴۰	ارزش‌ها به منزله نیاز
۴۱	ارزش به منزله انگیزه
۴۱	ارزش به منزله میل
۴۲	ارزش به منزله رفتار
۴۴	مفهوم ارزش‌ها از منظر انسان‌شناسی
۴۶	مفهوم ارزش‌ها از منظر جامعه‌شناسی
۵۳	جمع‌بندی تعریف ارزش‌ها از چشم‌اندازهای مختلف
۵۵	عناصر اساسی و وجوه ایجاب و سلبی مفهوم ارزش‌ها
۵۹	فصل دوم: مرور پژوهش و نظری
۶۲	تحقیقات نظرسنجی

۶۴	تحقیقات علمی
۸۲	طرح های پژوهش
۸۹	مرور نظری
۱۰۱	فصل سوم: نسبت شناسی و تفکیک تحلیل ارزش ها از عناصر دیگر فرهنگ و مفاهیم مشابه
۱۰۲	مفهوم فرهنگ
۱۰۵	کارکردهای نظام فرهنگی
۱۰۷	باورها و ارزش ها
۱۰۸	هنجارها و ارزش ها
۱۱۱	نمادها و ارزش ها
۱۱۳	تکنولوژی و ارزش ها
۱۱۵	تمایز ارزش ها از مفاهیم مشابه
۱۱۸	ارتباط و تفاوت ارزش ها و ایدئولوژی
۱۲۱	فصل چهارم: چارچوب نظری
۱۲۳	مفهوم اخلاق دورکیم
۱۲۴	وجدان جمعی دورکیم
۱۲۸	همبستگی اجتماعی
۱۳۱	ماهیت و شاخص ارزش ها
۱۳۱	جامعه پذیری
۱۳۳	نتایج نهایی از نظر دورکیم
۱۳۶	نظریه ماکس وبر
۱۳۸	جامه، فرهنگ، اقتصاد و سیاست
۱۴۰	کنش اجتماعی
۱۴۳	طبقه بندی انواع سوگیری کنش اجتماعی
۱۴۶	فلسفه ارزش ها
۱۴۶	رویکرد وبر درباره علم و ارزش ها
۱۴۸	سلسله مراتب ارزش ها
۱۴۹	نقش ارزش ها در تعیین کنش اجتماعی

۱۵۶	نظریه پارسونز
۱۵۷	زمینه فکری پارسونز در تدوین نظریه کنش اجتماعی معطوف به ارزش‌ها
۱۵۸	نظریه کنش به مثابه پارادایم
۱۵۸	اهداف اساسی پارسونز
۱۶۱	ریشه های تاریخی کارکرد گرایی
۱۶۲	پیش فرض ها و مفاهیم اساسی
۱۵۶	مسئله پارسونز
۱۶۷	مفهوم نظم اجتماعی و مکانیسم تکوین آن از طریق پذیرش ارزش‌ها
۱۷۲	نظریه عمومی کنش
۱۷۳	محیط های غیر کنش، کنش معطوف به ارزش‌ها
۱۷۴	عناصر اساسی کنش بنیادی
۱۷۶	ارزش ها عنصر کلیدی و ابداعی پارسونز
۱۷۷	نتایج نهایی از طریق کنش بنیادی
۱۷۸	نظام کنش اجتماعی
۱۷۸	پیش فرض های اساسی
۱۸۰	تعریف و تکوین نظام کنش
۱۸۳	تحلیل ساخت یابی
۱۸۷	اهداف معطوف به ارزش طرح متغیرهای ساختی
۱۸۷	تحلیل کارکرد نظام کنش و پویاشناسی
۱۸۸	مفهوم کارکرد
۱۸۸	ابعاد کارکرد و ارزش های متناظر
۱۹۱	طرح آجیل
۱۹۳	سطوح تحلیل نظام کنش
۱۹۴	نظام های فرعی کنش
۲۰۰	سلسله مراتب سیرنیتیکی نظام کنش
۲۰۳	جهت گیری کنش گران
۲۰۵	نظام شخصیت و پارادوکس نظم و آزادی

۲۰۷	تیپولوژی شخصیت
۲۱۱	فصل پنجم: نسبت شناسی ارزش های اجتماعی با آسیب های اجتماعی و امنیت عمومی
۲۱۳	طرح مسئله
۲۱۸	تعریف مفاهیم
۲۲۲	تحلیل آسیب های اجتماعی در دو سطح کلان و خرد
۲۲۳	اختلال نمادی
۲۲۴	اختلال رابطه ای
۲۲۵	اختلال توانایی
۲۲۵	آسیب های اجتماعی
۲۲۷	مفهوم امنیت عمومی
۲۳۴	نکات سلبی مفهوم امنیت عمومی
۲۳۷	آسیب های اجتماعی همچون مسائل امنیتی
۲۴۰	آسیب پذیری های امنیت عمومی
۲۴۹	انحرافات اجتماعی همچون تهدید نرم
۲۵۲	مسئله ارزش ها، انحرافات اجتماعی و امنیت در پارادایم امنیتی
۲۵۷	نظریه مروتون
۲۶۰	نقش پلیس در مدیریت امنیت عمومی
۲۶۱	پلیس و آسیب های اجتماعی
۲۶۴	پلیس و راهبردهای امنیت عمومی
۲۶۶	پلیس و مشارکت جامعه در مدیریت امنیت عمومی
۲۶۹	آسیب پذیری پلیس در مدیریت امنیت عمومی
۲۷۱	نتیجه گیری
۲۷۳	پیشنهادها

سخن ناشر

کسب علم و دانش و تلاش برای بهره‌گیری از علوم جدید و بومی سازی آن برای رفع نیازهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به منظور اعتلای اقتدار امت اسلامی از توصیه‌های مهم اسلام است. دانش انتظامی که دانشی بین رشته‌ای است اما ماهیت اجتماعی آن غالب است همگام با پیشرفت‌های علوم محض و کاربردی و تلفیق آنها با یکدیگر، روز به روز نومی شود و مرزهای تازه از دانش می‌سازد، از جمله علوم بومی است که درخت آن در کشورمان در حال رشد و سرسبز شدن است.

تألیف آثار علمی برجسته و معتبر را شایسته مفاهیم آنها از جمله رهیافت‌های کارآمد و اثربخش است که می‌توان در سایه آن ستروکسب برای بهره‌گیری از تجربه‌های ارزشمند و دانش بومی نخبگان و کارشناسان علوم پلیس و فرمان‌برمان ساخت. بدیهی است اندیشمندان، خبرگان و کارشناسان امور پلیسی داخلی می‌توانند با تلفیق و بگن تجربه‌های خود با علوم و تجربه‌های نوین در حوزه‌های متنوع علمی در عرصه جهانی باعث پیشبرد و ارتقای دانش انتظامی در کشور شوند.

امید است با نشر آثار تألیفی از این دست، گامی هرچند کوچک در این مسیر بلند برداریم و نویسندگان، محققان، کارشناسان و استادان را برانگیزانیم تا تجربه‌ها و توان علمی خود را متبلور کنند و اشاعه دهند.

معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی

تقديم به روح استاد

دکتر محمد عبداللهی

پیشگفتار

مطالعه علمی ارزش‌های اجتماعی که عنصر بنیادین فرهنگ، هسته اساسی کنش اجتماعی و پایه بنای نظام اجتماعی، محسوب می‌شود، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای جامعه‌ای چون کشور ایران است، زیرا از یک سو نظام سیاسی آن بر ارزش‌های دینی و اخلاقی استوار است و از سوی دیگر، نیز، در شرایط جهانی شدن، توسعه ارتباطات جهانی و تغییرات فرهنگی و اجتماعی رول‌آنها در عصر اطلاعات و فناوری، به سوی توسعه، آهنگی شتابان دارد.

در این تألیف قصد داریم بر اساس بینش جامعه‌شناختی، ارزش‌ها را، به دلیل نقش کانونی آنها در تکوین و تداوم نظم اجتماعی که نوربخش امنیت عمومی جامعه است، به طور علمی بررسی کنیم. به همین منظور ابتدا در چارچوب جامعه‌شناسی، مفهوم ارزش را از طریق تفکیک تحلیلی ارزش‌ها با عناصر دیگر فرهنگ را بفاهیم مشابه، ماهیت‌شناسی و پدیدارشناسی نموده و سپس تلاش خواهیم کرد. ارزش‌ها را با تأکید بر نظم اجتماعی، بر اساس نظریه‌های دورکیم، وبر و به ویژه پارسونز تبیین و نسبت‌شناسی کنیم. یعنی نسبت میان ارزش‌ها و امنیت را در قالب گفتمان سلبی نظم اجتماعی، تبیین گردد. بدین ترتیب که ابتدا مفهوم آسیب اجتماعی را که بیش‌تر بر نوعی بی‌نظمی و اختلال درونی در کارکردها و ارتباطات خرده سیستم‌ها، در عمق نظام اجتماعی دلالت دارد، بررسی و سپس، انحرافات اجتماعی را که ناهم‌نوایی مستمر با ارزش‌های

اجتماعی و انتظارات مشترک جامعه محسوب می‌شود، با تأکید بر برخی از آسیب‌پذیری‌های حوزه امنیت عمومی، تبیین نظری کنم.

امید است اساتید، دانشجویان و مسئولان علاقه‌مند در این زمینه کتاب حاضر را، مطالعه کرده و با نقد هم‌دلانه و پیشنهادهای خردمندانه و ارزنده خود، محرک نظری و عملی نگارنده در گام‌های بعدی باشند.

در پایان ضروری است تا، بیش از هر چیز، سپاس و احترام قلبی خود را نشر استاد گرانقدر، - باب آقای دکتر عماد افروغ که این اثر با راهنمایی و تشویق ایشان فراهم آمده، می‌نمایم و از انکه لطف نموده و زحمت تحریر مقدمه را بر این کتاب، پذیرفتند، قدردانی کنم. همچنین از سلیقه دست‌اندرکاران محترم معاونت محترم پژوهش دانشگاه علوم انتظامی، خصوصاً آقای سراندر که برای آماده‌سازی و چاپ این کتاب زحمت بی‌دریغ کشیدند، و نیز از خانم سرهانی که در تایپ این اثر، تلاش زیادی کردند، بسیار سپاسگزارم.

حسین محبوبی‌منش

استاد ارشد دانشگاه علوم انتظامی

مقدمه ای بر کتاب

مقوله ارزش ها، همان گونه که نویسنده محترم نیز اشاره می کند، مقوله ای سهل و ممتنع و ارائه تعریفی جامع، مانع، علمی و نظام یافته از آن به غایت دشوار است. این دشواری را چند عامل عمده رقم می زند: ۱- حضور فراگیر آن در عرصه های مختلف، مرتبط و تو در توی حیات انسانی و اجتماعی، ساحت های فردی، ساختاری و جامعه ای. ۲- متامل و متقابل فراشخصی، ۲- جایگاه دیالکتیکی و فرآیندی آن هم در مقام عطف رجاع داوری ها و به مثابه دلیل، محرک و محمل و مجرای کنش و هم در مقام نتایج و پدیده های کنش اجتماعی، ۳- وجود نظریه های مختلف و تا حدودی متعارض مربوط به ارزش مناسی از یک سو و رشته ها و حوزه های مطالعات متنوع فلسفی، روان شناسی، جامعه شناسی و...

به طور خاص وجود پارادایم ها و نظریه های متقابل در مورد نقش و جایگاه ارزش ها، در یک تقسیم بندی کلاسیک دو رویکرد و دو نگاه عمده به ارزش ها را با عناوین وفاق گرایی یا نظم گرایی و ستیز گرایی شکل بخشیده است و البته این تقسیم بندی دوگانه نافی تلاش های تلفیقی و ترکیبی ارزش در دیدگاه های نوظهور نیست.

تأکید ویژه وفاق گرایان در مجموع بر هنجارها و ارزش های مشترک، الزامات و تعهدات اجتماعی، پیوستگی و اتصال، همبستگی، عمل متقابل، مشارکت، اقتدار مشروعیت یافته، تداوم و تعادل است. در این دیدگاه، جامعه بیش از آن که متشکل از گروه ها و اقشار مختلف با ارزش ها و هنجارهای خاص خود باشد، متشکل از افرادی است که در یک نظام از پیش تعریف شده فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی عمل کرده و ایفای نقش می نمایند.

در برابر آن، تأکید ویژه ستیزگرایان بر منافع و نیازها، اجبارها و الزامات و بعضاً اغوائت و فریب ها، انشعاب ها و انفصال ها، گسست ها، خصومت ها، ستیزها و تنش های ساختاری و گروهی، قدرت های فیزیکی و مبتنی بر زور و تهدید و تغییر و

بی ثباتی است. به طرز خاص وفاق گرایان، گرایش خاص به عنصر حضور و ثبات و نگاه غیر فرآیندی دارند و در عوض ستیز گرایان، تمایلی عمده به عنصر نفی، غیاب، نابرابری، تغییر و نگاه های فرآیندی و البته رو به رشد و خلاقیت دارند. در نگاه علی الاغلب وفاق گرایان، قانون و حکومت کارکردی ویژه داشته، در خدمت کل جامعه بوده و در جهت ارتقای ارزش های مشترک عمل می کند، اما در نگاه ستیز گرایان، قانون و حکومت، ابزار تعدی و ستم بوده و در جهت منافع و مصالح گروه های حاکم عمل می کند. وفاق گرایان مدعی اند حقوق و منزلت ها با کار سخت و از راه های مشروع و تعریف شده به دست می آید، اما ستیز گرایان معتقدند که این حقوق و منزلت ها، با زور، حيله و وراثت به دست می آید. در مجموع و عطف به موضوع کتاب، در حالی که وفاق گرایان بر جایگاه مشترک و جمعی ارزش ها به مثابه ابزار تعریف هویت و دستیابی به اهداف جامعه اصرار می ورزند، ستیز گرایان بر نقش ابزاری بودن ارزشها و در دست گروه های حاکم به منظور پیشبرد اهداف گروهی پای می فشرند. از دیدگاه آنان، ارزش ها نه تنها معرف تمامی گروه ها و تبار مختلف نیستند، بلکه نظم ارزشی و هنجاری غالب تنها سلاحي است برای پیشبرد منافع گروهی.

همان گونه که اشاره شد، هر دو رویکرد بخشی از واقعیت را از زاویه ای مطلوبیت و ضرورت را می بینند و از وجه دیگر غافل می شوند. دغدغه اصلی نظم گرایان و وفاق گرایان به طور عمده مقوله نظم و انسجام و به عبارتی وحدت نمردین، ثبات سیاسی و هماهنگی ساختاری است و دغدغه عمده ستیزه گرایان نیز به طور عمده رفاهیت گروه بندی اجتماعی، اعم از افقی و عمودی، خرده فرهنگ های متناظر و منافع و مصالح آنهاست. اما آیا در عمل می توان از این دو ساحت جداگانه و البته مرتبط واقعیت و در نتیجه نقش و جایگاه آنها در مطلوبیت و ضرورت یک نظام سازی خلاق، بر پایه متعادل و رو به رشد غافل شد؟ آیا گرایش افراطی به نظم ایستا و غیر فرآیندی، نامنعطف و متصلب ترجمانی از گرایش به اقتدارگرایی و جمع گرایی مفرط نیست؟ و

آیا گرایش نامتعادل و بی‌رویه به گروه‌بندی‌های اجتماعی در قالب‌های مختلف، منهای توجه به ملاط و ریسمان مشترک فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مترجمانی از تفکیک‌گرایی مفرط و گونه‌ای آنارشیزم نیست؟^{۱۹} به نظر می‌رسد باید به سمت و سویی حرکت کرد که در عمل و در مسیری فرآیندی، پویا و متعامل بتوان این دوگانگی و دوتایی ناموجه و غیر واقعی را حل کرد و به گونه‌ای دیالکتیک و با عنایت به فرآیند: مان - مند و مکان - مند وحدت در عین کثرت، به سوی یک انسجام و یگانگی منطقی و منبسط و در قالب وحدت فرهنگی و نمادین، ثبات و اقتدار سیاسی و هماهنگی سازمانی، مان‌مند، تلاش‌ها و کوشش‌های معطوف به پیشرفت و ترقی خود شد. این نگاه برای نگاهی جامع به حقوق و نیازهای بشری، اعم از فردی، گروهی و معطوف به جامعه است که خود را در قالب حقوق طبیعی و وضعی فردی، مشارک و حقوق جامعه در سطوح فرهنگی سیاسی و اقتصادی متجلی می‌سازد. این نگرش تلفیقی و البته مطابق با واقعیت درون جامعه را می‌توان با دو فرآیند متعارف شناخته شده جامعه‌شناسی، یعنی فرآیند تمایز بانگی و فرآیند انسجام یا پیوستگی هم‌سو و هم‌آهنگ دانست.

فرآیند تمایز یافتگی جوامع بشری، ناظر به شکل‌گیری گروه‌ها و اقشار مختلف اجتماعی و خرده فرهنگ‌های این گروه و اقشار مختلف و تفاوت‌های آنهاست. دامنه این گروه‌ها از گروه‌بندی‌های جنسی، شغلی، نژادی، قومی، مذهبی و گروه‌های فرعی ناشی از کنش متقابل و ساخت‌های شبکه‌ای تا گروه‌بندی‌های عمودی ناشی از دستیابی مختلف به منابع کمیاب نابرابری، یعنی ثروت (طبقات اجتماعی)، قدرت (احزاب یا گروه‌های قدرت) در نوسان است. منظور از فرآیند انسجام نیز در کل میزان و الگوی رابطه متقابل بین کنش‌گران، گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های تمایز یافته است. با افزایش تفکیک و تمایز یافتگی در جامعه مشکل پیوستگی و انسجام نیز بیشتر می‌شود. افزایش شکل‌گیری گروه‌های افقی، مشکل انسجام و هماهنگی بین این گروه‌ها را

ایجاد می کند و افزایش شکل گیری خرده فرهنگ ها نیز مشکل وحدت نمادین و وحدت فرهنگی بین اعضای این خرده فرهنگ ها را مطرح می سازد. به همین ترتیب، شکل گیری گروه های عمودی و شکاف نهایی و ساختاری بین طبقات اجتماعی، گروه های قدرت و گروه های منزلت، مشکل اعتراض و مخالفت از سوی گروه های محروم از منابع مطلوب سه گانه را مطرح می سازد.

از سوی دیگر، هرچه گروه های محروم در جامعه در نتیجه آگاهی از محرومیت نسبی، مشروعیت توزیع منابع مطلوب را بیشتر زیر سوال ببرند، امکان بروز ستیز افزایش می یابد و هرچه ساخت اجتماعی متصلب تر باشد و کانال ها و مجاری لازم برای بروز تظلم ها و ناآرامی ها و حل و فصل درگیری های اجتماعی در دسترس نباشد، این ستیز شدیدتر خواهد بود. فقدان ارزشهای مشترک بین گروه های درگیر نیز بر شدت این ستیز خواهد افزود. در این نکته حائز اهمیت است که جوامع مختلف از تعدد و تنوع یکسانی از تمایز یافتگی با تکنیک اجتماعی برخوردار نیستند.

توضیح بیشتر درباره مفهوم وفاق که ادرس آریان اجتماعی بر آن تأکید ویژه دارند، می تواند تا حدودی ماهیت سیال و ضرورت توجه به شاکت گروه ها را آشکار سازد. صاحب نظران وفاق را چیزی بیش از توافق ملی دانسته و آن را همفکری و هم احساسی میان افراد و تصمیم گیران اصلی می دانند. در شرایط وفاق بین افراد و گروه ها، یک حس همانندی و قرابت وجود دارد و پیوندهای عاطفی و ملاحظاتی و منافع مشترک، آنان را به یکدیگر متصل می سازد. در زمینه وفاق به طور خاص باید به چند نکته توجه داشت:

۱- وفاق (اجتماعی) را نباید با اجبار و تحکم، یعنی تحمیل سیاسی هنجارهای رفتاری (وفاق سیاسی) یکی دانست. سازگاری منفعلانه و پذیرش روزمره الزامات اجتماعی را نیز نمی توان وفاق نامید. وفاق فرآیندی اجتماعی و فعال است و باید آن را از تسلیم و رضایت با اکراه تفکیک کرد.

۲- باید به ماهیت متحول و سیال وفاق و تأثیر شرایط زمانی - مکانی بر آن توجه داشت. ممکن است چیزی در برهه‌ای از تاریخ عنصر وفاقی باشد اما دربره‌ای دیگر نتواند هدایتگر رفتار جمعی باشد.

۳- وفاق اجتماعی و وفاق سیاسی را نباید به صورت سیاه و سفید مطرح کرد. این گونه نیست که در جامعه‌ای وفاق اجتماعی منحصر حاکم باشد و در جامعه‌ای دیگر وفاق سیاسی؛ همه جوامع در عمل برخوردار از ترکیبی از وفاق اجتماعی و وفاق سیاسی اند.

هر انداز، که وجه به نفع، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری گروه‌ها و اقشار مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری و سوب قوانین، نظارت و اجرا شود، باز هم میزانی از شکاف بین هنجارهای مسلط و هنجارهای گروه‌ها و خرده فرهنگ‌های آنها و در نتیجه استفاده از ابزارهای تحکم و اجبار برای ایجاد نظم توسط دولت اجتناب ناپذیر خواهد بود. مسأله مهم میزان این شکاف است. میزان آن شکاف و نحوه ترکیب وفاق اجتماعی و وفاق سیاسی است که جوامع مختلف را از یکدیگر متمایز می‌سازد. هرچه این ترکیب، بیشتر به سوی وفاق سیاسی سوق یابد، بی‌اعتمادی و تقابل میان دولت و ملت ایجاد و تقویت می‌شود و هرچه این ترکیب بیشتر به سوی وفاق اجتماعی متمایل گردد، تفاهم، هم‌احساسی و اعتماد متقابل میان دولت و ملت بیشتر می‌شود. یکی از مجاری اساسی برای دستیابی به وفاق اجتماعی نیز مشارکت اجتماعی است. مشارکت اجتماعی افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در تمام عرصه‌هایی که با سرنوشت آنها گره خورده است گامی است اساسی در تحقق وفاق اجتماعی. مشارکت اجتماعی افراد نیز در عمل با رعایت اصول و ارزش‌های خاص صورت می‌گیرد. به طور قطع، سرنوشت افراد با یکدیگر و گروه‌های اجتماعی دیگر گره خورده است و درک و شناسایی این سرنوشت نیز تابع عوامل و عناصر مختلفی از جمله ارزش‌ها، هنجارها و منافع گوناگونی است که افراد و گروه‌های اجتماعی در عمل به آن توجه دارند. یکی از این

ارزش ها و منافع نیز می تواند ارزش های عام و منافع ملی باشد. افراد بسته به میزان تعلقی که به جمع های مختلف دارند، آنها را در سرنوشت خویش شریک می دانند.

به هر حال مقوله ارزش، از مقولات پر اهمیتی است که پرداختن دقیق و جامع به مفهوم، جایگاه و ضرورت و نظریه های مختلف مربوط به پرسش های متنوع آن، می تواند در سیاستگذاری های معطوف به ایجاد نظم خلاق و پویا با مشارکت فراگیر و جهت گیری فاق اجتماعی بسیار موثر و نافع می باشد. در نگاه اولیه و عمومی می توان ارزش را ملاک درری نسبت به خوبی و بدی، زشتی و زیبایی، درستی یا نادرستی امری یا پدیده ای تعریف کرد. ای. اس آندرسون در گفتمان عمومی و مربوط به ارجاع به ارزش های شخصی، پیش کاربرد مرتبط اشاره می کند: ۱- دلیل نمایی کنش های فردی ۲- کیفیت یا عملی به با خیانت فردی، اعتبار خوب بودن و معنا می بخشد. ۳- بخشی از هویت سازنده فرد است که تحت خود ارزیابی، خود - تغییر و خود - ساختگی به فرد اعطا می کند. ۴- ملاک برای انتخاب خوب بودن امر خوب از میان جریان های مختلف کنش ۵- معیار اتحاد یک سازمان و ۶- موضوع و رابطه مناسب و معرف زندگی قابل قبول و تعیین بخش هویت می فردی.

هاگ لیس (۲۰۰۵)، نظم اجتماعی را آمیخته با ارزش های فردی و اجتماعی می داند. ارزش های اجتماعی نیز همانند ارزش های فردی در برنامه ها، تریال و سیاست های یک جامعه تبلور یافته و در رفتارهای متأثر از شرایطی که این ارزشها ایجاد کرده و بارور می نمایند، اظهار می شوند. این ها ارزش هایی هستند که در تاریخ و سبک جامعه، در تبیین انواع نهادهای آن و حتی در شیوه بیان رهبری آن متجلی می شود. به دلیل ارتباط و اتصال بین ارزش های فردی و اجتماعی، لیس معتقد است که ثبات و پایه یک جامعه وابسته به شخصی شدن گسترده ارزش های اجتماعی مسلط آن است. بر این اساس، اگر فردی تمایل داشته باشد تا برای مثال، ارزش همبستگی با فقر را اظهار کند، باید به دنبال تغییری اجتماعی باشد که نظامی اجتماعی بوجود آورد که آن

آزادی مثبت و اولویت حقوق اقتصادی و اجتماعی درهم آمیخته باشند و بدین وسیله ارزش‌های اجتماعی مزبور، شخصی و نهادینه می‌شوند. بدین ترتیب، ارزش‌های اجتماعی جزو همان ارزش‌های فردی به شمار خواهند رفت.

کتاب "جامعه‌شناسی ارزش‌ها، با تأکید بر نظم و امنیت" کوشیده است تا با مرور بر آراء جامعه‌شناسانی همچون امیل دورکیم، ماکس وبر و به ویژه تالکوت پارسونز، به درک و تبیین ارزش‌های اجتماعی و نقش آن در نظم و امنیت اجتماعی و همچنین جایگاه نیروی انتظامی در استقرار این نظم و امنیت در حیطه وظایف این نهاد امنیت بخش نایل آید. این نهادی انتظام بخش و دل مشغول امنیت اجتماعی از مواجهات و نگاه‌های روزمره، جدا گرفته و با درکی روشن از مفاهیم و نظریه‌های ذربط با مسائل و پدیده‌های حوزه وظائف و ضرورت خود برخورد نماید، تحول و گامی شایسته و درخور توجه است. نویسنده معتقد است که به این مهم توجه داشته و به طور خاص به نقش نیروی انتظامی در تأمین امنیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و اهمیت جهت‌گیری ارزشی آنان در اجرای مظلوب و وظایف محوله به عنوان یکی از ضرورت‌های تحقیق و نگارش کتاب اشاره کرده و کوشیده است به سهم خود ارتقا بخش بینش نظری این نیرو باشد.

حسین محبوبی منش در اثر خود با مفهوم‌شناسی ارزشی و اشاره به جایگاه آن در حوزه‌های مطالعاتی فلسفه، مردم‌شناسی، روان‌شناسی و به طور خاص جامعه‌شناسی و با اتخاذ رویکرد و نظم‌گرایی، تلاش نموده است تا علاوه بر تبیین جایگاه و ضرورت ارزش‌های اجتماعی و به مثابه عنصر بنیادین فرهنگ، هسته محوری کنش اجتماعی و اساس نظم اجتماعی مطلوب، به نقش آن در آسیب‌شناسی اجتماعی و مواجهه با آسیب‌های اختلال بخش نظم و امنیت اشاره کند.

در این اثر با مرور بر تعاریف مختلف از ارزش‌ها و جایگاه آن، به مثابه معیار خوبی و بدی، خواستن و توانستن، موافقت و مخالفت، عشق و انزجار، دل‌شدگی و دل

زدگی، توجیه جایگاه خود در سلسله مراتب اجتماعی، معنا کردن محیط، مشروع دانستن اطاعت، تعهد به ایده های خاص و انرژی و تحرک در دستیابی به اهداف سخن به میان آمده است و با طرح پرسش های کلیدی از قبیل ماهیت، شاخص ها، ساختارها، کارکردها، منشأ، عوامل موثر، رابطه اش با کنش، اندیشه، احساس، شخصیت، سازو کار انتقال، چگونگی دگرگونی و نسبت ارزش ها با نظم و امنیت وارد مباحث اصلی خود شده است.

نویسندگان هدف اصلی کتاب خود را شناخت بهتر کنش اجتماعی و رفتار معطوف به ارزش از منظر جامعه شناختی و تبیین نظری نقش بنیادین ارزش ها در نظم و تعادل جامعه و امنیت عمده می بیند و ارزش ها را در کل، ابزار سازمان دهی و نظم بخشیدن به نیازها و خواسته ها، ارزش های رفتار خود و دیگران و تبلوری از وضعیت ارتباط متقابل و اجتماعی می داند. برای اساس، انحرافات اجتماعی نیز ناهمخوانی مستمر با ارزش های اجتماعی و انتقادات مشترک تعریف می شود. از نظر محسوبی منش، به تأسی از نظریه های نظم گرایی، بعد اجتماعی ارزش های مشتمل بر الزام آوری و وجوه ساختاری، انتزاعی، انضمامی، نظام مند، قانون مندی، و سلسله مراتبی است. او در نهایت کتاب خود را با پذیرش چارچوب نظری سادوت پارسونز و گونه شناسی ارزشی متأثر از آن سامان می دهد. بر این اساس ارزش های فرهنگی، ارزش های متناظر با خرده نظام فرهنگی است که سرشار از اطلاعات بوده و کارکرد آن حفظ الگو و رفع تنش در نظام، معنا بخشی به زندگی و آمادگی ذهنی برای کنش است. اندیشه و معرفت به مثابه نماد و رسانه ارتباطی ارزش های فرهنگی محسوب شده و شاخص های آن، علم و دانش، آرمان خواهی، اطلاعات علمی، معناداری زندگی، فلسفه حیات، مطالعه و تألیف کتاب، اندیشه و تفکر، عقل گرایی، هویت فرهنگی، پای بندی به دین، مساوات طلبی، اختراع، اکتشاف، شهود، حقیقت جویی، مصالح دینی و آگاهی تعریف شده است.

ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های متناظر با خرده نظام اجتماعی است که کارکرد اصلی آن ایجاد یگانگی و همبستگی، تقویت وفاداری گروهی به اصول و قواعد اجتماعی و انسانی است. تعهد، نماد و رسانه ارتباطی ارزش‌های اجتماعی، محسوب شده و شاخص‌های آن، تعهد، آبرو، درستکاری، صداقت، یکرنگی، اعتماد، نوع دوستی، همبستگی و وحدت، همدلی، ایثار، وفاق ملی، یگانگی، رعایت حقوق دیگران، رعایت قانون، عزت، احترام، دوستی، احساس تعلق به جامعه، عشق به مردم و منزلت اجتماعی تعریف شده است.

ارزش‌های سیاسی، ارزش‌های متناظر با خرده نظام سیاسی است که امکان بسیج منابع و انرژی را برای دستیابی به اهداف فراهم می‌سازد و نقش نظارت‌کننده بیرونی را در اجرای امور و در جهت تحقق اهداف برعهده دارد. قدرت، نماد و وسیله ارتباطی ارزش‌های سیاسی محسوب شده و شاخص‌های آن، قدرت، اقتدار ملی، مشارکت سیاسی، رهبری و فرماندهی و مدیریت، حقوق شهروندی، آزادی بیان، فکر و عمل، تحمل اندیشه‌های متفاوت، حق انتخاب، تصمیم‌گیری، فردگرایی مثبت، امنیت جهانی، فکری و مالی، مردم‌سالاری، حق دخالت در نظام سیاسی، حق انتقاد به دولت، تحمل مخالف، دفاع از وطن، مبارزه با بیگانگان مهاجم، قدرت و انتخابات ملی، تکرر احزاب و مصالح ملی تعریف شده است.

ارزش‌های اقتصادی، ارزش‌های متناظر با خرده نظام اقتصادی است که کارکرد آن سازگاری با محیط است و دارای بیشترین انرژی و کمترین اطلاعات است و بر خلاف ارزش‌های دیگر در تماس با نزدیک با جهان اثباتی است و دارای خصلتی عینی و ملموس است. پول و ثروت، نماد و رسانه ارتباطی ارزش‌های اقتصادی محسوب شده و شاخص آن پول و ثروت، مسکن مناسب، رفاه زندگی، انباشت سرمایه، فعالیت سودآور، وقت‌شناسی، محاسبه‌گری، سخت‌کوشی، پیشرفت و ترقی، قناعت، نظم و انضباط تعریف شده است.

در مجموع، گونه شناسی و سلسله مراتب ارزش ها با تأسی از نظریه های مختلف، پرداختن به نظریه های ارزش از منظر رشته های مختلف علمی، تبعی از مباحث مختلف در مورد ارزش، مرور بر آراء جامعه شناسان تأثیر گذار و جمع بندی خوب از آراء جامعه شناسان معروف نظم گرا، از ویژگی های این اثر به شمار می رود. بدون تردید این اثر می تواند برای کلیه دانش پژوهان علاقه مند به حوزه ارزش ها، به ویژه دانشجویان و استادان علوم اجتماعی مفید و راه گشای مطالعات و تحقیقات آنان باشد. به علاوه، توجه به ارزش های فرهنگی اقتصادی، از قبیل وقت شناسی، سخت کوشی، قناعت و نظم و انضباط ... سال موسوم به جهاد اقتصادی می تواند در جهت ارتقای انگیزه معطوف به تولید اقتصادی و البته قطع نظر از سایر عوامل ساختاری مورد توجه قرار گیرد.

و ما توفیقی الا بالله

عماد افروغ